فصل دهم امام باقر ( از 95 تا 114 -19 سال- امامت می کنند)

امام با تحریف مبارزه می کنند

از ناحیه فریفتن فقها و علما و شعرا و محدثین و چهرهای موجه

با پول با ترساندن

از ناحیه خود خلیفه مثل اینکه اولی الامر هر کسی است که بر شما تسلط پیدا کند برخی سرداران عبد الملک مثل حجاج معتقد بودند خلافت از نبوت بالاتر است

ائمه می خواهند 1. ذهنیت مردم را عوض کنند ، امام باقر شکافنده حقایق قرآنی است و تشیع

پیروان مکتب اهل بیت هستند برای ایجاد حاکمیت حقیقی اسلام

2. تشکل سازی یک وقت بذر را می پاشی یک جایی بدون حفظ و نگهداری و

یک وقت بذر را می پاشی جای مشخص با حفظ و نگهداری ، امام عده ای

را سرتاسر دنیای اسلام می گمارد

مردم اشکالاتشان را با انها حل می کنند

اینها تحت تاثیر القائات دشمن قرارنمی گیرند

پیوستگی بینشان حفظ شود

نفوذ شیعه هم در مناطق نزدیک مرکز بنی امیه (کوفه و مدینه) و هم در مناطق دور از مرکز ( خراسان) بوده است ارتباط امام با مردم در زمینه آموزش های فکری

پیوستگی

برخی در روایات به عنوان اصحاب سرّ نامیده می شوند همانند جابر بن یزید جعفی او پس از بازگشت از حج نامه ای از امام دریافت کرد (نعمان)گوید جابر همین طور که نامه را می خواند گرفته تر و ناراحت می شد (نعمان) گوید رفتم و دیدم جابر نی سواری می کند و گردنبندی از کعب گوسفند به گردن انداخته و اشعار بی سر و ته می خواند ، هشام بن عبدالملک نامه ای به حاکم کوفه نوشت که جابر را دستگیر کند گردن بزن سرش را برای من بفرست حاکم کوفه نیز با پرس و جو درباره جابر از مردم شنید او پس از بازگشت از حج دیوانه شده پس حاکم کوفه گفت خدا را شکر که ما را از کشتن شخصی بی نیاز کرده

امام سجاد صندوقی به امام باقر می دهند و به مردم می فرمایند این درهم و دینار نیست انباشته از علم است

امام باقر تعرض صریحی به حاکم ندارند 1. اختناق حاکم بر آن جوّ 2. ضرورت تقیه در دوره یکی از مقتدرترین خلیفه بنی امیه هشام بن عبدالملک

هشام امام را به دربار اموی احضار می کند هشام به حضار گفته بود سیل تهمت را به سوی حضار سرازی کنند به خاطر 1. تضعیف روحیه امام 2. محکوم کردن روحیه خصم و دشمنش ( امام) و انتشار ان با بلندگوهای خلیفه ، هر تازه واردی باید لقب امیرمومنان را خطاب کند امام هنگام ورود با گفتن سلام علیکم به حضار بدون اجازه می نشیند هشام پس از بحث با امام و امام را به زندان می اندازد و با این کار عملا به ضعف روحیه خود اعتراف می کند امام در زندان تبلیغ می کنند و کسی نمانده که کلام امام را نپذیرد تصمیم می گیرد امام را به مدینه بفرستد و در بین راه احدی حق معامله با این کاروان را ندارد

امام باقر به فرزندش جعفر بن محمد دستور می دهد مقداری از دارایی او ( 800 درهم ) در 10 سال صرف عزاداری به او نماید در صحرای منی